پیمایش زمستانی خطالرأس دوبرار (زمستان ۸۹)

خطالرأس دوبرار، به طول تقریبی ۶۰ کیلومتر، در منتهی‌الیه ناحیه جنوبی منطقه فیروزکوه قرار گرفته است. جناح جنوب خطالرأس شیب‌های تند ریزشی و تقریباً غیر قابل دسترس دارد و از سمت شمال یال‌ها و گرده‌های سنگی متعددی دارد که هر یک با زاویه‌های خاصی به خطالرأس متصل می‌شود. باد و کولاک، بهمن‌های بزرگ و کوچک، برف سنگین و نقاب‌های دوبرار معروف است. ما در قالب یک گروه دو نفره شامل کوروش نگهبان و پویا کیوان، از باشگاه کوه نوردی و اسکی دماوند، به یاد دوستانمان که در حادثه بهمن دیزین جان باختند، پیمایش کامل خطالرأس دوبرار را برنامه‌ریزی و در زمستان سال جاری (۱۳۸۹) اجرا کردیم.

روز اول (دوشنبه – ۲۵ بهمن)

صبح روز دوشنبه ۲۵ بهمن ماه از تهران حرکت کردیم؛ حدود یک و نیم کیلومتر بعد از گردنه امامزاده هاشم به سمت پلور؛ در جاده هزار، از اتوبوس پیاده شدیم و در ساعت ۶:۴۵ دقیقه صعود خود را آغاز کردیم. در یک روز آفتابی و با برف‌کوبی سنگین، پس از ۵ ساعت روی خطالرأس قرار گرفتیم و بعد از صعود قله بزم چال به ارتفاع ۳۵۰۰، خطالرأس را به سمت شرق ادامه دادیم و با گذر از تابلویی که یاد کوهنورد فقید، همایون محبوب را (که به همراه زنده یاد فریدون اسماعیل‌زاده که قصد نخستین پیمایش زمستانی را داشتند و درآن محدوده در حادثه بهمن جان باخته بود) در خاطر ما زنده کرد؛ در ادامه مسیر قله‌هایی چون میان‌رود و لاسم را صعود کردیم و ساعت ۱۶، قبل از قله چنگیزچال ۳، چادر خود را برپا نمودیم.

روز دوم (سه شنبه –۲۶ بهمن)

صبح روز دوم پس از حرکت، به ترتیب قله‌های چنگیزچال ۳، ۲ و ۱ را صعود کردیم و ساعت ۱۵:۳۰ دقیقه قله پروانه به ارتفاع ۴۱۰۰ را صعود کرده و بعد از فرود از قله پروانه، محل شب‌مانی دوم خود را آماده ساخته و چادر خود را برپا کردیم.

روز سوم (چهارشنبه – ۲۷بهمن)

به علت خرابی هوا تا ساعت ۱۲ به امید هوای بهتر در چادر صبر کردیم و در نهایت تصمیم گرفتیم در همان هوای خراب حرکت کنیم؛ خوشبختانه پس از گذشتن یک ساعت از پیمایش کمی از کولاک کم شد. تیم ما بعد از صعود قله انگمار۲ (۴۱۵۰) و انگمار یک (۴۱۵۰)؛ چادر خود را ۵۰ متر پائین‌تر از قله انگار یک بر پا کرد.

روز چهارم (پنج شنبه – ۲۸ بهمن)

صبح روز چهارم از ساعت ۷:۴۵ دقیقه آماده حرکت بودیم؛ اما هوای خراب و کولاک اجازه حرکت نمی‌داد. در نهایت با اینکه هنوز هوا خراب بود؛ ساعت ۹:۱۵ تصمیم به حرکت گرفتیم و در هوای بد و با دید کم از تیغه‌های بین انگمار و دوبرار، در حالی که یکدیگر را با طناب حمایت می‌کردیم، عبور نمودیم. حدود ساعت ۱۴ بر شدت خرابی هوا افزوده شد و ما تصمیم گرفتیم در محلی مناسب قبل از دوبرار غربی چادر زده و شب‌مانی کنیم.

روز پنجم (جمعه - ۲۹ بهمن)

صبح در هوای نیمه ابری و در بارش پراکنده پیماش خود را آغاز کردیم؛ و در مسیر خود تیغه‌های متعددی را به صورت تعادلی رد کردیم؛ البته در حین عبور از آخرین تیغه‌های قبل از دوبرار یک فرود ۱۲ متری داشتیم که با جا گذاشتن یک بلوک کوچک فرود ایمنی را انجام دادیم. بعد از صعود دوبرار غربی (۴۲۰۰) و صعود دوبرار شرقی که بلندترین قله خطالرأس به ارتفاع ۴۲۵۰ متر است؛ مسیر خود را که در تمام طول آن، نقاب‌های متعدد و عظیمی خودنمایی می کرد؛ ادامه دادیم. با صعود یک قله فرعی مرتفع در ادامه خطالرأس؛ حوالی ساعت ۱۵:۳۰ دقیقه چادر خود را در محلی مناسب؛ دقیقاً زیر آن قله فرعی برپا کردیم.

روز ششم (شنبه - ۳۰ بهمن)

در هوای بسیار خوب حرکت خود را آغاز کردیم و بعد از عبور از گرده‌های سنگی و تیغه‌های متعدد؛ قله سوزچال (۴۱۵۰) را در ساعت ۱۲ صعود کردیم. در ادامه مسیر، خطالرأس به سمت شمال کشیده می‌شود. بعد از عبور از این قسمت و گردنه سوزچال، که بادهای آن سهمگین است، قله رخش ۲ (۴۱۰۰) و رخش ۱ را صعود کردیم. سپس روی تیغه‌ها، یک فرود ۱۵ متری داشتیم و در ادامه، عبور از روی تیغه‌ها، به صورت تعادلی بود. ساعت ۱۶:۳۰ دقیقه روی یک گردنه پهن، در محلی مناسب که توده عظیمی از برف ما را از باد در امان می‌داشت؛ چادر خود را بر پا کردیم؛ چنین بود که شبی آرام را بدون درک شدت باد، گذراندیم.

روز هفتم (یکشنبه- ۱اسفند)

صبح پس از جمع کردن چادر و آغاز پیماش؛ پس از ۳۰ دقیقه؛ به این نتیجه رسیدیم که شدت باد بسیار بیش از آن چیزی است که تصور می‌کردیم و ادامه مسیر با این باد میسر نیست. بنابراین به محل شب‌مانی خود باز گشتیم و چادر خود را مجدداً برپا کردیم تا در جایی ایمن به انتظار کم شدن شدت باد بمانیم؛ ساعت حدود ۱۲ ظهر بود و ما همچنان زمان خود را از دست می‌دادیم؛ بنابراین تصمیم گرفتیم در همان شرایط و البته به صورت حمایت متحرک؛ پیمایش خود را ادامه دهیم. در بین مسیر، یک فرود ۱۰متری داشتیم و حوالی ساعت ۱۶:۳۰ دقیقه، قبل از قله قره‌داغ ۱، روی تیغه‌ها کارگاه زده و چادر خود را به آن حمایت کردیم. خودمان نیز با هارنس در چادر در حمایت همان کارگاهی بودیم که چادر به آن متصل بود؛ چادری که بیش از یک سوم آن در هوا معلق بود و بر خلاف شب قبل؛ کاملا در معرض کولاک قرار داشت.

روز هشتم (دوشنبه - ۲اسفند)

بعد از صعود از قله قره‌داغ ۱ (۳۹۰۰) و درگیری با تیغه‌های معروف قره‌داغ، مانند روزهای گذشته، کار فنی و سنگنوردی داشتیم. با صعود به قله شاورس و قله قره‌داغ ۲ (۳۸۰۰)، قله اسب‌گیرون (۳۸۵۰) و کل‌کشون (۳۶۵۰) و همچنین عبور از چند قله فرعی؛ ساعت ۱۸ چادر خود را بر یک گردنه خاکی - برفی برپا کردیم و بر اساس شنیده‌ها بر این خیال بودیم که حدود دو ساعت به پایان برنامه باقی مانده و شب را خوشحال و مسرور از پایان برنامه به صبح رساندیم.

روز نهم (سه شنبه - ۳ اسفند)

صبح در هوای عالی، حرکت خود را آغاز کردیم؛ تیغه‌های پیش رو را رد و قله‌های فرعی را صعود کردیم؛ اما همچنان مسیر ادامه داشت و ما با این واقعیت مواجه شدیم که ادامه مسیر بیش از ۲ یا ۳ ساعت زمان نیاز دارد. حوالی ساعت ۱۲ هوا خراب، طول دید کم و برف‌کوبی مسیر بیشتر شد؛ به دلیل دید محدود، دو بار از مسیر خارج شدیم و با صرف انرژی فراوان، دوباره به مسیر بازگشتیم. حدود ساعت ۱۶:۳۰ دقیقه جی‌پی‌اس ما ارتفاع ۳۲۰۰ را نشان می‌داد؛ و ما از یال بالای روستا، ابتدا صدای وسایل نقلیه را شنیدیم و بعد روستای کهنک را دیدیم و با شادمانی به سمت آن حرکت کردیم و ساعت ۱۷:۲۰ دقیقه وارد روستای کهنک شدیم و از روستا با ماشین یکی از اهالی روستا به سمت دلی‌چای و جاده فیروزکوه حرکت کردیم.

لازم به ذکر است؛ طبق اطلاعاتی که از پیمایش‌های زمستانی خطالرأس دوبرار در دسترس ما است؛ گروه دونفره ما؛ از باشگاه کوهنوردی و اسکی دماوند (کوروش نگهبان و پویا کیوان) دومین پیمایش کامل زمستانی این خطالرأس را به انجام رسانده است. پیش از این، یک گروه از کوهنوردان گروه آرش، به سرپرستی محمد نوری؛ برای نخستین بار خطالرأس دوبرار را در زمستان سال ۱۳۸۱ به صورت کامل پیمایش کرده‌اند و ما نسبت به دیگر پیمایش‌های احتمالی این خطالرأس در زمستان اطلاعی نداریم.

کوروش نگهبان

باشگاه کوهنوردی واسکی دماوند